

احیاء و سازماندهی مجدد داعش: استراتژی، ساختار و عوامل تسهیل‌کننده

نویسنده: لزگین ابراهیم
مترجم: بهنام زارعی



مقدمه مترجم:

در شرایط پیچیده و بحرانی خاورمیانه، ظهور مجدد گروه‌های تندرو اسلامی، به‌ویژه داعش، به یکی از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی و سیاسی منطقه تبدیل شده است. علیرغم شکست‌های نظامی اخیر، این گروه با تکیه بر ایدئولوژی افراطی خود و بهره‌برداری از ناآرامی‌ها و ضعف‌های ساختاری در برخی کشورها، در تلاش است تا بار دیگر نفوذ و قدرت خود را بازیابد. بررسی و پرداختن به موضوع سازماندهی مجدد داعش نه تنها از منظر امنیتی، بلکه از بعد سیاسی نیز برای کشورهای منطقه و جهان حائز اهمیت بسیار است.

داعش و گروه‌های مشابه، با استفاده از شکاف‌های موجود در ساختارهای سیاسی و اجتماعی منطقه، می‌توانند به سرعت رشد کنند و بار دیگر به تهدیدی جدی برای امنیت بین‌المللی تبدیل شوند. این موضوع در حالی است که تحولات اخیر در خاورمیانه، از جمله تشدید اختلافات مذهبی و اثنیکی، گسترش نفوذ قدرت‌های خارجی و ضعف دولت‌ها، شرایط مناسبی را برای بازسازی و گسترش فعالیت‌های تروریستی این گروه‌ها فراهم آورده است. از این رو، تحلیل دقیق و جامع این پدیده نه تنها برای درک بهتر دینامیک‌های جدید قدرت در منطقه ضروری است، بلکه به تدوین سیاست‌های کارآمدتر برای مقابله با تهدیدات پیش رو کمک می‌کند.

بررسی احیا و سازماندهی مجدد داعش در این مقطع زمانی، به‌ویژه با توجه به تجربیات تلخ گذشته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون درک عمیق از چگونگی و چرایی بازگشت این گروه‌ها [ی تندرو] به صحنه، مقابله مؤثر با آنها و جلوگیری از تکرار فجایع انسانی و امنیتی

دشوار خواهد بود. این مسئله، به‌طور خاص برای کشورهای خاورمیانه و همچنین جامعه بین‌المللی، چالشی اساسی است که نیازمند توجه جدی و اقدامات هماهنگ و قاطعانه است. آنچه در ادامه این نوشتار می‌آید، مقاله‌ای است از مرکز مطالعات الفرات در روژآوا که به بررسی وضعیت کنونی داعش، تلاش‌های آن برای احیای مجدد و سازگاری با ساختار جدید آن و چالش‌های پیش روی این گروه می‌پردازد. همچنین، عوامل مؤثر و تسهیل‌کننده احتمال موفقیت این امر را نیز شناسایی و مورد بحث قرار می‌دهد.

احیاء و سازماندهی مجدد داعش: استراتژی، ساختار و عوامل تسهیل‌کننده

با افزایش فعالیت‌ها و حملات داعش در سوریه و عراق و همچنین در چندین کشور در سراسر جهان، بحث‌ها در مورد تلاش‌های این سازمان برای احیاء و سازماندهی مجدد صفوف خود دوباره مطرح شده است. در ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) اعلام کرد که داعش از ابتدای سال جاری حملات خود را در عراق و سوریه دو برابر کرده و تأیید کرد که در تلاش برای بازسازی خود است. در همین زمینه، چندین گزارش از مراکز تحقیقاتی و وبسایت‌های آمریکایی و غربی نشان می‌دهد که این سازمان به شکلی واقعی در حال فعال‌تر شدن در دو کشور عراق و سوریه است و با سوءاستفاده و بهره‌برداری از بسیاری از تغییرات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی - به‌ویژه دغدغه‌های بین‌المللی در رابطه با جنگ‌های اوکراین و غزه - یک فضای تنفسی مناسب برای افزایش فعالیت‌های خود به دست آورده است. این سازمان، سوریه و عراق را به‌عنوان مراکز رشد ایده‌آل برای برنامه‌های

آتی خود می‌داند. علاوه بر آن، ساختار جدیدی را شکل داده که برای گسترش جهانی و ارتقای توانمندی‌های انسانی، مالی و تبلیغاتی خود بر آن تکیه می‌کند.

دلایل و پیامدهای هشدار آمریکا در مورد ظهور مجدد داعش چیست؟ ساختار جدیدی که این سازمان برای گسترش فعالیت‌های خود در سطح محلی و جهانی اتخاذ می‌کند چگونه است؟ استراتژی داعش در سوریه چیست؟ عوامل محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تسهیل‌گر در افزایش فعالیت‌های این سازمان کدام است؟

دلایل و پیامدهای هشدار آمریکا در مورد تجدید حیات داعش

بیانیه فرماندهی مرکزی ایالات متحده که تأیید می‌کند داعش در حال بازسازی خود در سوریه و عراق است، بر پایه افزایش نرخ حملات این سازمان در این کشورها تدوین شده است. این بیانیه تأیید می‌کند که «داعش مسئولیت ۱۵۳ حمله در هر دو کشور را در شش ماه نخست سال ۲۰۲۴ بر عهده گرفته است.» این نرخ بالا نشان می‌دهد که داعش در مسیر رسیدن به دو برابر تعداد کل حملاتی است که در سال ۲۰۲۳ مسئولیت آنها را بر عهده گرفته بود. طبق آخرین آمار، «از مارس ۲۰۲۳ تا مارس ۲۰۲۴، بخش مرکزی رسانه داعش مسئولیت ۱۱۲۱ حمله را بر عهده گرفته است. بر اساس داده‌های منتشر شده از سوی این سازمان، این حملات تقریباً ۴۷۷۰ قربانی به دنبال داشته [۱] که کشته یا مجروح شده‌اند. این نشان می‌دهد که سازمان مذکور برخی از نیروهای خود را مجدداً سازماندهی کرده و تلاش می‌کند تا بازگشتی قدرتمندانه به

صحنه داشته باشد، از همین روست که آمریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که داعش پس از چندین سال در تلاش برای بازسازی توانمندی‌های خود است.

هشدار آمریکایی‌ها در مورد تلاش‌های داعش برای بازسازی خود در سوریه و عراق نشان می‌دهد که نیروهای آمریکایی به دلیل تهدیدات مجدد داعش برای مدت نامعلومی در هر دو کشور باقی خواهند ماند. این را می‌توان از ادعای فرماندهی مرکزی ایالات متحده استنباط کرد که «نیروهای آن به عملیات برای تعقیب ۲۵۰۰ جنگجوی داعش در عراق و سوریه و بازپروری و ادغام بیش از ۴۳۰۰۰ نفر از اعضا و خانواده‌های آنان در اردوگاه‌های «الهول» و «روژ» ادامه خواهند داد.» [۲] این نشان می‌دهد که «ایالات متحده به قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی پیام می‌دهد که استراتژی آن در سوریه و عراق بلندمدت باقی می‌ماند.»

به نظر می‌رسد ایران و شبه‌نظامیان در سوریه و عراق این پیام آمریکایی‌ها را دریافت کرده‌اند. اخیراً، کمتر از یک روز پس از انتشار بیانیه آمریکا، شبه‌نظامیان ایرانی پس از چند ماه وقفه، حملات خود به پایگاه عین‌الاسد در عراق با هواپیماهای بدون سرنشین و موشک‌باران پایگاه آمریکایی در میدان نفتی کونیکو در سوریه را از سر گرفتند. این می‌تواند پاسخی به اظهارات آمریکایی‌ها باشد که به صورت غیرمستقیم اعلام کردند که با وجود ادامه مذاکرات واشنگتن با بغداد درباره آینده نیروهای آمریکایی در عراق، آنها در آینده نزدیک سوریه و عراق را ترک نخواهند کرد.

در مقابل، این تحولات نشان می‌دهد که ائتلاف نگران افزایش فعالیت داعش و تحرکات شبه‌نظامیان ایرانی در شمال شرق سوریه است. برای مقابله با تهدیدات احتمالی، نیروهای ائتلاف بین‌المللی «استقرار برج‌های دیده‌بانی در امتداد رود فرات در شرق سوریه، در مناطق تحت

کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک در چندین روستا در حومه شرقی دیرالزور» را آغاز کرده‌اند. [۳] هدف از ساخت این برج‌های دیده‌بانی، علاوه بر نظارت بر تحرکات شبه‌نظامیان ایرانی که پایگاه‌های آمریکایی در سوریه را تهدید می‌کنند، احتمالاً جلوگیری از نفوذ هسته‌های داعش از مناطق تحت کنترل شبه‌نظامیان ایرانی در غرب فرات به سمت شرق است.

داعش خود را در سطح جهانی بازسازی می‌کند

علیرغم تحمیل ضربات قابل توجه در پی از دست دادن قلمرو تحت کنترل و کشته شدن رهبران ارشدش، احیای فعالیت‌های داعش نشان می‌دهد که این گروه در حال تطبیق با شرایط جدید کنونی است. داعش در حال حاضر بر یک ساختار مدیریت غیرمتمرکز متکی است، به این معنی که رهبران منطقه‌ای وجود دارند که می‌توانند علیرغم مرگ رهبر سازمان فعال باقی بمانند. با این حال، مرگ یک رهبر، شعبه‌های آن را وادار می‌کند تا به منظور پیشگیری از هرگونه عملیات علیه سازمان، شبکه‌ها و ارتباطات خود را مجدداً ارزیابی کنند. گروه‌های افراطی، از جمله داعش، خود را با مساله از دست دادن رهبران‌شان سازگار کرده‌اند. از سال ۲۰۱۲، داعش بسیاری از رهبران خود را از دست داده است، اما همچنان پابرجاست، و این به دلیل برنامه‌های پشتیبان این سازمان برای سازگاری با شرایط جدید پس از کشته شدن رهبران ارشد است.

گزارش منتشرشده از سوی سایت آمریکایی «War on the Rocks» [۴] حاکی از آن است که ایجاد و اتکا به آنچه که «اداره کل استان‌ها» نامیده شده و مقر آن در سوریه بود، یکی از دلایل اصلی افزایش فعالیت‌های داعش بوده است. با این حال، اطلاعات جدید نشان می‌دهد که این

«اداره» ممکن است اکنون در سومالی متمرکز شده باشد. سازماندهی و هماهنگی از طریق ریاست مابین استان‌ها منجر به افزایش فعالیت‌های گروه در سطوح برنامه‌ریزی و اجرای مالی، نظامی و عملیاتی در هر مکان انتخابی در سراسر جهان شده است. این گزارش تاکید می‌کند که تغییر تمرکز از سوریه و عراق و تغییر ساختار استان‌ها همان عاملی است که موجبات تعامل و ارتباط بیشتر شاخه‌های استانی مختلف این گروه را در قیاس با گذشته فراهم کرده است. این گروه توانسته است فعالیت‌های خود را در چندین جنبه، به ویژه «حکومت، تامین مالی، جذب جنگجویان خارجی و عملیات خارجی» توسعه دهد.

در همین چارچوب، برآوردها نشان می‌دهد که سازماندهی مجدد شاخه‌های استانی داعش پس از شکست این گروه و از دست دادن سرزمین‌های تحت تسلط خود در سوریه و عراق، آغاز شده است. این امر با این واقعیت تأیید می‌شود که از سال ۲۰۱۸، این گروه نامگذاری شاخه‌های «استانی» چندگانه خود را در عراق (بغداد، بغداد شمالی، الانبار، دیاله، کرکوک، صلاح الدین، نینوا، جنوب، فلوجه، دجله و جزیره)، و در سوریه (رقه، برکه، خیر، حمص، حلب، ادلب، حماه، شام، لاذقیه و فرات) متوقف کرده است. امروزه این گروه تنها از این استان‌ها به عنوان «ولایت شام» و «ولایت عراق» یاد می‌کند و همه استان‌های «دولت اسلامی» اکنون با یکدیگر برابر هستند [۵]. اما سوال اینجاست که داعش چگونه این استان‌ها را مدیریت می‌کند؟

ساختار سازمانی و اجرایی استان‌های داعش

این گروه در حال حاضر شعبه‌های خود را از طریق آنچه «کمیته نمایندگی» نامیده می‌شود، که بالاترین نهاد در داعش است، مدیریت می‌کند. هر

یک از اعضای این کمیته مسئولیت یک جنبه اجرایی را بر عهده داشته و بر ریاست استان‌ها نظارت می‌کند که آنان نیز به نوبه خود بر مقامات محلی نظارت می‌کنند. به طور خاص، هر یک از اعضای کمیته «مسئول یکی از موارد زیر است: امنیت، پناهگاه‌های امن، امور مذهبی، رسانه‌ها و امور مالی» [۶].

با ایجاد اداره کل استان‌ها، ساختاری فراگیر ایجاد شد که اکنون بر استان‌ها نظارت دارد. این اداره دارای دفاتری است که بر اساس اسناد داخلی فاش شده از این گروه، شامل هفت دفتر در مناطق مختلف [۷] است:

- دفتر سرزمین مبارک: مسئول نظارت بر فعالیت‌های گروه در عراق و سوریه است؛
 - دفتر الصادق: افغانستان، پاکستان، ایران، هند و بقیه مناطق جنوب آسیا را پوشش می‌دهد؛
 - دفتر الکرار: سومالی، جمهوری دموکراتیک کنگو، موزامبیک و سایر بخش‌های شرق، مرکز و جنوب آفریقا را مدیریت می‌کند؛
 - دفتر الفرقان: بر حوزه دریاچه چاد و ساحل نظارت دارد؛
 - دفتر ام‌القری: بر یمن، عربستان سعودی و خلیج فارس نظارت می‌کند؛
 - دفتر ذوالنورین: بر مصر و سودان تمرکز دارد؛
 - دفتر الفاروق: ترکیه، گرجستان، قفقاز، روسیه و اروپا را سازماندهی می‌کند.
- هر یک از رهبران استانی داعش گزارش خود را به رئیس دفتر مربوطه در «اداره کل استان‌ها» ارائه می‌دهد، سپس اطلاعات ارائه‌شده به کمیته ارائه شده و در نهایت به رهبر گروه منتقل می‌شود.

به نظر می‌رسد که داعش طی پنج سال گذشته خود را بازسازی کرده است، اما به شیوه‌ای پیچیده‌تر از قبل. نحوه بازسازی داعش با نحوه ظهور آن در بیش از یک دهه پیش در عراق و سوریه که تمرکز خود را در وهله اول بر کنترل ارضی آن کشورها قرار داده بود، متفاوت است. اکنون با گسترش در همه جهات و تقسیم جهان به استان‌ها، بدون توجه به کنترل جغرافیایی، بعد جهانی به خود گرفته است.

در حالی که توجه جهان به سوریه و عراق معطوف شده بود و آن کشورها منبع اصلی تهدیدات این گروه تلقی می‌شد، به ویژه با بازداشت هزاران نفر از اعضای داعش و نگهداری هزاران نفر از خانواده‌های آنها در اردوگاه‌ها، هشدارهایی درباره یک «بمب ساعتی فوری» در شمال شرق سوریه صادر شد. با وجود تمامی این نشانه‌ها و هشدارها، اما وقوع انفجار در مسکو و حمله مرگبار به پایگاه شهر کروکس در مارس ۲۰۲۴ یا انفجار در مراسم سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده وقت سپاه قدس در کرمان، و اخیراً نیز حمله به اجتماع شیعیان در مراسم بزرگداشت عاشورا در مسقط عمان در اواسط ژوئیه ۲۰۲۴، غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده بود. این نشان می‌دهد که تهدید داعش دیگر در سوریه و عراق متمرکز نیست، بلکه با تکیه بر مدیریت غیرمتمرکز به صورت افقی و عمودی در حال گسترش است.

همه این حملات پیچیده، علاوه بر «برنامه خنثی‌شده توسط آلمان در ژوئن ۲۰۲۴ در کلن با هدف حمله به مسابقات قهرمانی فوتبال اروپا، نمونه‌های قابل‌توجهی از این شبکه‌های جهانی به‌هم‌پیوسته هستند».

[۸] با این حال، وجه مشترک این حملات - به جز مسقط - این است که عوامل داعشی درگیر در این حملات قبل از حرکت به روسیه و آلمان در ترکیه حضور داشته‌اند. یک گزارش منتشرشده در وب‌سایت آمریکایی

“War on the Rocks” نشان می‌دهد که «ترکیه به مرکز برنامه‌ریزی داعش تبدیل شده است.» این گزارش همچنین نشان می‌دهد که عملیات خارجی داعش از نظر منابع ثابت نیست. هر حمله از طریق به اصطلاح «اداره کل استان‌ها»ی این گروه هماهنگ می‌شود و ترکیه یکی از مکان‌های ترجیحی برای مدیریت و برنامه‌ریزی این اقدامات است. تردیدی نیست که ترکیه یک محور اصلی در شبکه جهانی داعش است و حمایت‌های دریافتی این گروه از ترکیه نشان می‌دهد که اداره اطلاعات آن (میت) با «اداره کل استان‌ها» هماهنگ است. به نظر می‌رسد که این اداره به طور فزاینده‌ای به یک نهاد مهم در «خلافت» و ظاهراً اکنون به مرکزی برای اجرای عملیات تروریستی خارجی تبدیل شده است. این را حملات داعش در روسیه و اروپا فاش کرد، جایی که عوامل گروه از ترکیه به آن کشورها منتقل شده بودند.

استراتژی داعش در سوریه و عوامل حمایت کننده از فعالیت‌های آن

با وجود از دست دادن کنترل ارضی در سوریه و عراق، داعش همچنان در هر دو کشور فعال است و در حالی که فعالیت‌های آن قبلاً محدود به حملات در مقیاس کوچک بود، اکنون به عملیات‌های فشرده و پیچیده ارتقا پیدا کرده است. این نشان می‌دهد که این گروه ممکن است با گسترش عملیات‌های خود به قلب سرزمین‌های مخالفانش و قرار گرفتن در مناطق کلیدی یک محدوده جغرافیایی گسترده به منظور ابراز وجود، در حال مهیا کردن مسیر برای «احیای دوباره خلافت خود» مشابه آنچه یک دهه پیش رخ داد، باشد. این گروه از عوامل متعدد محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به ویژه جنگ غزه و تشدید درگیری اسرائیل با

ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن، مخصوصاً در سوریه، سود می‌برد. افزایش این احتمال که داعش در حال برنامه‌ریزی برای بازپس‌گیری قلمرو ارضی است، در برخی از اقدامات این گروه، مانند «غافلگیر کردن ارتش سوریه در اواسط آوریل ۲۰۲۴ در مناطق پرجمعیت در امتداد مرز بین استان‌های رقه و دیرالزور، ایجاد مواضع در مناطق حیاتی در جاده دیرالزور - رقه و استقرار در اطراف دو روستا»، قابل مشاهده است. [۹] این حملات و کنترل موقت چندین روستا ممکن است با هدف بهره‌برداری رسانه‌ای از سوی این گروه برای رقابت با جناح‌های وابسته به ایران در منطقه، نشان دادن توانایی‌های خود و جذب جمعیت محلی باشد. این گروه توانایی خود را برای انجام حملات قابل توجه در مناطق به شدت امنیتی تحت کنترل دولت سوریه نشان داده و خود را به عنوان مخالف اصلی رژیم سوریه و متحدش ایران، معرفی کرده است.

همزمان، این گروه با اتخاذ استراتژی عقب‌نشینی از شهرها بدون درگیر شدن در نبردهای بزرگ در هنگام از دست دادن موصل و رقه، به دنبال حفظ منابع انسانی خود برای تداوم حضور، انجام حملات و مدیریت فعالیت‌های خود است. دلیل اتخاذ این استراتژی به مشکلات مرتبط با استخدام عناصر جدید برمی‌گردد. از دست دادن تمام شهرهای تحت کنترل در سوریه و عراق، رهبری این گروه را بر آن داشت تا بودجه‌ای را که قبلاً برای خدمات و مدیریت شهری صرف می‌شد، در هدایت تلاش‌های هزاران مدیر و پرسنل امنیتی برای جنگیدن و استخدام اعضا یا عناصر جدید سرمایه‌گذاری کند. عوامل متعددی به این گروه در سازماندهی مجدد و گسترش عملیات خود در سوریه کمک می‌کند، از جمله:

- **عامل جغرافیایی:** مناطق حضور داعش در سوریه در سازماندهی و بازسازی مجدد این گروه اهمیت بسیاری دارند. زمین ناهموار و محیط

بیابانی صحرای سوریه، ایجاد اردوگاه‌های آموزشی برای پیکارجویان، کمک به استتار و فرار و فراهم کردن فضای مناسب برای آماده‌سازی و اجرای عملیات کیفی در راستای نشان دادن حضور این گروه را تسهیل می‌کند. یک مقاله تحقیقی موسسه سلطنتی امور بین‌الملل (چاتام هاوس، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که «مخفی‌گاه‌های داعش در صحرای سوریه عمدتاً در سه منطقه در عمق صحرا متمرکز شده‌اند: اولین مورد در جبل بشری در بخش جنوب شرقی استان رقه، دومی در منطقه دفینه در جنوب غربی دیرالزور، و سومی در مناطق صحرایی بین پالمیرا و السخنه در غرب، کمربندی به طول ۵۵ کیلومتر در جنوب، ایستگاه نفت T۲ در شرق و منطقه فائده بن‌المعنیة در شمال».[۱۰]

- جنگ غزه: جنگ جاری در غزه، ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی را به مسائل ژئوپلیتیکی مختلفی مشغول کرده است، آنان از گسترش جنگ با ایران و شبه‌نظامیان مورد حمایت این کشور، به ویژه پس از تشدید حملات آنها به پایگاه‌های ایالات متحده در عراق و سوریه، می‌ترسند. پس از ترور اعضای ارشد سپاه پاسداران در سوریه، رهبران حزب‌الله و ترور اخیر اسماعیل هنیه در تهران، درگیری بین اسرائیل و ایران به نوعی رویارویی مستقیم تبدیل شده است. در نتیجه، اخیراً مبارزه با داعش از اولویت ائتلاف خارج شده است، موقعیتی که گروه داعش از آن برای فعال کردن مجدد نیروهای خود استفاده کرده است.

- سازگار شدن با ساختار جدید: اتکای داعش به این ساختار جدید «در سطح جهانی»، همراه با ساختار غیرمتمرکز آن و وابستگی به رهبران منطقه‌ای و محلی، از منظر امنیتی و در قیاس با گذشته که تلاش‌های بین‌المللی در درجه اول بر عراق و سوریه متمرکز شده بود، چالش این گروه را به چالشی پیچیده‌تر تبدیل کرده است. اکنون تمرکز صرف بر عراق

و سوریه یا هر استان دیگری بدون درک ارتباط آن با سایر بخش‌های شبکه جهانی این گروه، منجر به رشد و گسترش فعالیت‌های این گروه در سراسر جهان و افزایش قابلیت‌های هسته‌های آن برای انجام حملات مرگبار خواهد شد، مانند آنچه در روسیه، ایران و مسقط دیده شد. [۱۱]

- تهدیدات و حملات ترکیه: یکی از عوامل مهمی که به نفع هسته‌های داعش است، اختلال ناشی از حملات مداوم ترکیه به شمال شرق سوریه است، از جمله ترور رهبران نظامی و امنیتی که نقش فعالی در مبارزه با این گروه داشتند و نیز تخریب زیرساخت‌ها و منابع حیاتی مهم در مناطق اداره خودگردان دموکراتیک شمال شرق سوریه. این امر موجب کاهش اثربخشی نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) در مبارزه با داعش به دلیل درگیر شدن در جبهه شمالی علیه ترکیه و گروه‌های هم‌پیمان این کشور، منحرف شدن توجه از فعالیت‌های داعش، افزایش امکان فعالیت‌های این گروه و تلاش برای قاچاق خانواده‌های بیشتر از کمپ الهول می‌شود. علاوه بر این، مناطق سوری تحت اشغال ترکیه به پناهگاه امنی برای رهبران و اعضای داعش تبدیل شده و آنان از این مناطق فعالیت‌های هسته‌های گروه را در شمال شرق سوریه مدیریت می‌کنند. در حال حاضر، این گروه برای تأمین منابع مالی به شدت به عملیات قاچاق متکی است. «شبکه‌های قاچاق در مناطق تحت کنترل ترکیه در شمال سوریه وجود دارد. جناح «ابو ققاع» و دیگر گروه‌های وابسته به ترکیه با تسهیل قاچاق افراد به ترکیه، استفاده از منابع مالی حاصله برای تأمین مالی عملیات این گروه از طریق قاچاق مواد مخدر و آثار باستانی غارت شده سوریه، و ورود به بازار ارزهای دیجیتال به منظور یافتن راه‌های جدید برای این گروه جهت انتقال پول و پول‌شویی، از فعالیت‌های داعش حمایت می‌کنند.» [۱۲]

- بدتر شدن شرایط اقتصادی و معیشتی: وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی و انسانی در مناطق مختلف سوریه، به داعش این امکان را داده است که از وخامت شرایط جدید برای تشدید فعالیت‌های خود سوءاستفاده کرده و با ارائه پول به مردم در ازای همکاری با هسته‌های این گروه، همکاران زیادی را جذب خود کند. «آنچه به افزایش منابع مالی این گروه کمک کرده است، ایجاد خطوط استخدام و راه‌های لجستیکی و مالی است که از آفریقا به اروپا، خاورمیانه و جنوب آسیا امتداد می‌یابد. به طور مشخص، نهادهای مالی داعش در غرب و شرق آفریقا بارها مبالغ هنگفتی را به شاخه‌های این گروه در سوریه و عراق منتقل کرده‌اند [۱۳]».

خلاصه

تردیدی وجود ندارد که رویکرد اهمال‌گرایانه در انجام حملات قاطع علیه سازمان‌های تروریستی مانند داعش و القاعده، در هنگامه آشفتگی، جنگ و هرج و مرجی که خاورمیانه و آفریقا را فراگرفته، شانس ظهور مجدد این سازمان‌ها را افزایش خواهد داد. چنین سازمان‌هایی در مناطقی که گرفتار هرج و مرج، درگیری و بحران اقتصادی هستند، به سرعت رشد می‌کنند. تمامی این عوامل و فاکتورها در حال حاضر در سوریه، عراق، کشورهای آفریقایی، افغانستان و سایر کشورها وجود دارند. علاوه بر این، عدم همکاری و هماهنگی بین کشورهای درگیر در سوریه در مبارزه با داعش به دلیل بی‌اعتمادی متقابل، کمک قابل توجهی به داعش در تشدید فعالیت‌ها و حملات خود می‌کند، زیرا بسیاری از دشمنان آن در صحنه سوریه، همزمان دشمن یکدیگر نیز هستند. شرایط کنونی جهانی، تشدید درگیری‌های سیاسی و نظامی در اروپا،

خاورمیانه، آسیا و آفریقا، مشابه دورانی است که به ظهور سازمان‌هایی مانند القاعده و داعش انجامید. علاوه بر این، رقابت تسلیحاتی فزاینده میان کشورهای جهان، بحران‌های مداوم پناهندگان، غذا و انرژی، همگی احتمال افزایش حملات تروریستی و ظهور مجدد القاعده و داعش در صحنه جهانی، از جمله در سوریه و عراق را افزایش می‌دهند.

اجرای موثر قطعنامه ۲۲۵۴ سازمان ملل متحد می‌تواند نقش مهمی در پایان دادن به تهدید تروریسم و داعش در سوریه داشته باشد. با برقراری آتش‌بس، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، مشارکت همه طرف‌ها در یک فرآیند سیاسی فراگیر، حمایت از بازسازی و اصلاحات و اسکان آوارگان، می‌تواند محیطی باثبات و مرفه ایجاد کند که موجب خشک شدن منابع تروریسم خواهد شد. به این ترتیب، قطعنامه ۲۲۵۴ شانس دستیابی به صلح پایدار در سوریه را افزایش داده و پایه و اساس محکمی را برای آینده‌ای عاری از تروریسم و افراط‌گرایی ایجاد خواهد کرد.

منابع:

۱. انستیتوی واشینگتن، ۲۰ مارس ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/xs5l0>)
۲. کانال الحرة، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/gmbga>)
۳. روزنامه شرق الاوسط، ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/rxrsr>)
۴. موسسه «۱۵»، «War on the Rocks» ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/7v7vl>)
۵. همان، ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/7v7vl>)
۶. کانال الحرة، ۱۰ فوریه ۲۰۲۲ (<https://n9.cl/6qosn>)
۷. موسسه «۱۵»، «War on the Rocks» ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/7v7vl>)
۸. مرکز اروپایی اطلاعات و مطالعات ضدتروریسم، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/ofqzj>)
۹. دیده‌بان حقوق بشر سوریه، ۶ آپریل ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/pe8cn>)

۱۰. شبکه روایت الاخبارية، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/hb7me>)
۱۱. انسیتوی واشینگتن، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/2avao>)
۱۲. مرکز اروپایی اطلاعات و مطالعات ضدتروریسم، ۴ فوریه ۲۰۲۲ (<https://n9.cl/ox5kl>)
۱۳. نشریه المجلة، ۱۲ آوریل ۲۰۲۴ (<https://n9.cl/ja5qjz>)

لینک به متن اصلی این ترجمه:

<https://firatn.com/en/?p=2592>



<https://govarikomar.com/>